ناصر صفاریان در گفت‌وگو با «شرق»

قاچاق فیلم برای صاحبان سرمایه‌های بزرگ مهم نیست

شرق: قاچاق فیلم‌های ایرانی موضوع تازه‌ای نیست. سرعت قاچاق و عرضه غیرقانونی فیلم‌های روز سینمای ایران بسیار بالاست و به یک ساعت نکشیده، روی کانال‌های تلگرامی و شبکه‌های فارسی‌زبان است و ظاهرا سینماگران را هم از صرافت پیگیری خواسته‌های حداقلی انداخته است. «علفزار» یکی از فیلم‌های حاضر در چهلمین جشنواره فیلم فجر، در اکران‌های محدود جشنواره‌ای قاچاق شد و «جنایت بی‌دقت» ساخته شهرام مکری نیزدر زمان اکران به‌سرعت قاچاق و عرضه شد. این تنها دو نمونه از آخرین اتفاقاتی است که ضرر مادی و معنوی بسیاری را به صاحبان این آثار تحمیل کرده است. طرح اکران آنلاین فیلم‌های سینمایی که با همه‌گیری کرونا و بسته‌شدن سالن‌های سینما در ایران آغاز شد هم از همین ناحیه آسیب دید. فیلم‌هایی که قرار بود به جای سالن سینما، در پلتفرم‌های عرضه فیلم‌های سینمایی قرار بگیرد؛ اما سرعت قاچاق فیلم‌ها آن‌قدر زیاد بود که عملا این طرح با شکست مواجه شد. بدون‌شک برای اکران آنلاین سازوکار مشخصی در سراسر دنیا وجود دارد و طبیعی است که قانونی وجود دارد و حق و حقوق تولیدکنندگان محفوظ است؛ اما متأسفانه در ایران این امکان وجود ندارد.

ناصر صفاریان، منتقد و مستندساز صاحب‌نام نیز که طی سال‌ها با چنین مشکلی درمورد ساخته‌هایش روبه‌رو شده است، نسبت به قاچاق فیلمش واکنش نشان داد و نوشت: «اتواستاپ» بعد ۱۶ سال مجوز گرفت. «کودکیِ ناتمام» هم با کنارکشیدن سرمایه‌گذار شریک به دلیل تغییر مدیریت و پس‌گرفتن مبلغِ مشارکت در یک فقره چک بدون قسط‌بندی، در چهار سال به‌سختی ساخته شد و به‌سختی مجوز گرفت و دور از محفل «هنر و تجربه» و زدنِ قیدِ نمایش سالنی، در بدترین روزهای کرونا و قرنطینه به صورت دی‌وی‌دی به بازار عرضه شد... و در نهایت، هر دو فیلم با فاصله‌ای دو هفته‌ای به نمایش آنلاین رسید، با اعداد و ارقامی که در دل بماند و بر زبان نیاید بهتر است؛ به‌خصوص درمورد «کودکی ناتمام» که تازه ساخته شده بود و اگر مهر دوستی که از سرِ لطف یاری‌ام داد نبود، حتی تمام فروش قابل قبول هزاروصد دی‌وی‌دی در کمتر از یک سال هم در قیاس با هزینه‌ها چیزی نمی‌شد.

او در بخش دیگری از یادداشت خود اشاره کرد: «تنها به فاصله یک روز، هر دو فیلم از سایتی به اسم «به نام ایران» سر درآورد، رایگان و در فرمت‌ها و حجم‌های متفاوت برای استفاده همگانی. سایت جالبی است نه‌فقط از این نظر که اسم و لوگوی خودش را بر جاهایی از فیلم حک می‌کند که حتی عنوان‌بندی ابتدایی را به سلیقه خودش کوتاه و قطع می‌کند، آرم‌استیشن تهیه‌کننده را حذف می‌کند و آرم‌استیشن خودش را می‌گذارد و فیلم را از سوی «به نام ایران» به بینندگان تقدیم می‌کند. در برخی فیلم‌ها هم صدای مطنطنی در ثانیه‌های ابتدایی و انتهایی اضافه می‌کند تا فیلم تقدیم شود... و البته این همه جالبی ماجرا نیست. در توضیح سایت‌شان و خودشان نوشته‌اند: «مانع‌شدن ما از پول‌شویی یک عده از مافیای سینماگران ایرانی برای همه آشکار است» و اشاره به اینکه: «اولین دلیل راه‌اندازی این سایت این است که هنرمندان و سینماگران ایرانی را وادار کنیم که در خط مردم قرار بگیرند؛ این‌گونه نه‌تنها می‌توانند فروش بهتری نیز از فیلم‌های‌شان داشته باشند؛ بلکه مورد محبوبیت بیشتری در جامعه ایرانی و جهانی قرار خواهند گرفت... به قول شاعر: آینه چون نقش تو بنمود راست/ خود شِکن! آیینه شکستن خطاست!».

صفاریان درگفت‌وگو با «شرق» به ابعاد دیگری از قاچاق فیلم در ایران اشاره کرد و گفت: «مراحل گرفتن مجوز «اتواستاپ» ۱۶ سال زمان برد و در تمام این سال‌ها با رعایت تمام قوانین موجود منتظر نمایش فیلم بودم. درحالی‌که می‌توانستم این‌همه سال صبر نکنم و خودم فیلم را منتشر کنم. مقصودم این است که با رعایت تمام قوانین وزارت ارشاد و اصلاحیه‌هایی که به فیلم خورد، به طی‌کردن تمام مراحل قانونی پایبند بودم. امروز هم از نهادی که مجوز فیلم من را صادر کرده است، توقع دارم که پیگیر قاچاق فیلم باشد تا من بار دیگر به مجوزهای قانونی آنها اعتماد کنم». او ادامه داد: «به دلیل نپیوستن ایران به موضوع کپی‌رایت جهانی راهی برای احقاق حق وجود ندارد و در صورت طی‌کردن مراحل قانونی هزینه‌های بسیاری باید متحمل شد که آیا اصلا به نتیجه رسید یا خیر؟ که اساسا برای فیلم‌ساز مستقلی مثل من به‌هیچ‌وجه هزینه‌های این‌چنینی امکان‌پذیر نیست. از ۲۰ سال پیش که اولین فیلمم قاچاق شد تا به امروز با این مشکل روبه‌رو بودم و پیگیری‌هایم به نتیجه‌ای نرسیده و در تمام این سال‌ها برایم عجیب است که با توجه به حجم گسترده قاچاق فیلم‌های سینمای ایران انگار که این موضوع پذیرفته شده و پیگیری خاصی صورت نمی‌گیرد. به دلیل مشکل کپی‌رایت موارد خارج از کشور عملا دست ما برای پیگیری بسته است و در داخل ایران هم کم‌کاری نهادی‌های نظارتی به چشم می‌خورد. توقع این است که مدعی‌العموم چه وزارت ارشاد و چه نیروهای انتظامی یا حقوقی پیگیر چنین موضوعاتی باشند و سازوکار اجرائی برای رسیدگی به موضوع داشته باشند تا صاحب اثر درگیر مسائل و موارد فرسایشی نشود. بدون‌شک برای آدم مستقلی مثل من که با هزینه‌های شخصی و محدود کار می‌کنم، چنین مواردی جبران‌ناپذیر است. درحالی‌که فیلم‌های سینمای داستانی و سریال که با هزینه‌های زیاد ساخته شده، قاچاق می‌شوند و سؤالی که به وجود می‌آورد، این است که چرا من باید اولین اعتراض را نسبت به این سایت انجام بدهم و برای صاحبان سرمایه‌های بزرگ مهم نیست؟».

روایتی از هفت فیلم اکران نوروزی

چراغ‌های روشن سینما در دوردست

بهناز شیربانی

نمی‌توان به رونق سینما در سال پیش‌رو امیدی داشت. این را سینماداران می‌گویند که از زمان آغاز همه‌گیری کرونا، چراغ‌های سالن‌های سینما را خاموش کردند و دوران رکود را پشت سر گذاشتند. سینمایی که پیش از این نیز چندان امیدی به بهبود در آن دیده نمی‌شد؛ چراکه به گفته بسیاری از کارشناسان، اساسا صنعت سینما در ایران روند رو به رشدی نداشته و نمی‌توان به آن امید بست. نیمه دوم سال ۱۴۰۰ اما با رونق‌گرفتن نسبی سالن‌های سینما و اکران فیلم‌هایی که سلایق گسترده‌تری از مخاطب را شامل می‌شد، امید به رونق‌گرفتن سینما را بیشتر کرد. سینمای ایران با اکران هفت فیلم به استقبال نوروز رفت؛ هفت فیلمی که به گفته حبیب ایل‌بیگی (معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی)، در این انتخاب‌ها جوانب مختلفی از جمله حضور در جشنواره فیلم فجر، تنوع ژانر و مخاطب مدنظر بوده است.

شمایل قهرمان

«روز صفر»، یکی از شاخص‌ترین فیلم‌های سینمای ایران، از نخستین نمایش‌هایش در جشنواره سی‌وهشتم فیلم فجر نظر بسیاری از منتقدان و مخاطبان سینما را به خود جلب کرد. فیلمی در ژانر اکشن که بالاتر از استاندارد سینمای ایران توصیف می‌شود. سعید ملکان که در سال‌های متوالی در مقام تهیه‌کننده در سینما حضور داشته است، این بار کارگردانی یک تریلر جاسوسی را بر عهده گرفت. ساخت فیلمی درباره چگونگی دستگیری عبدالمالک ریگی و تبحرش در به تصویر کشیدن داستانی واقعی، هدایت بازیگران و ایجاد ریتم، همراه‌کردن مخاطب با قصه و البته به تصویر کشیدن قهرمانی کم‌نظیر، ازجمله نقاط قوت فیلم است که تحسین بسیاری از منتقدان را به همراه داشت. «روز صفر» در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر، سیمرغ بلورین بهترین فیلم نگاه نو، بهترین جلوه‌های ویژه میدانی، بهترین طراحی لباس، بهترین فیلم از نگاه ملی و سیمرغ بلورین ویژه هیئت داوران را به خود اختصاص داد. «روز صفر» در نوروز ۱۴۰۱ به نمایش گذاشته شد. امیر جدیدی و ساعد سهیلی دو بازیگر اصلی این فیلم هستند.

بهترین فیلم جشنواره چهلم

«موقعیت مهدی» ساخته هادی حجازی‌فر و به تهیه‌کنندگی حبیب‌الله والی‌نژاد، فیلمی درباره زندگی شهیدان باکری است. در این فیلم، هادی حجازی‌فر نقش مهدی باکری را ایفا کرده و ژیلا شاهی، وحید حجازی‌فر، معصومه ربانی‌نیا، وحید آقاپور و روح‌الله زمانی دیگر بازیگران آن هستند. این فیلم روایت شش پرده از زندگی مهدی باکری است. «موقعیت مهدی» در ۱۴ رشته، نامزد سیمرغ بلورین و برنده پنج جایزه ازجمله سیمرغ بلورین بهترین فیلم جشنواره فجر چهلم شد. هادی حجازی‌فر که در نخستین اثر سینمایی‌اش برشی از زندگی یکی از قهرمانان کشور را روایت کرده، چندی قبل در گفت‌وگو با «شرق» به تجربه نخست خود در فیلم‌سازی اشاره کرد و گفت: «هر اثری برای مخاطب ساخته می‌شود، حتی در انتزاعی‌ترین حالت‌ها، به نظرم بخش بزرگ لذت کارگردانی، دیدن واکنش تماشاگران در سالن‌های سینماست. موقعیت عجیب‌وغریب است؛ همه به پرده نگاه می‌کنند و تو به همه. آیا ارتباط برقرار است؟ آیا تأثیری که از فلان نما یا دیالوگ و حتی لحظه مدنظرم بود، اتفاق افتاد؟ مهم‌ترین تفاوت تئاتر با سینما به نظر من در بین بی‌شمار جواب‌ها، امکان اصلاح و بازگشت است که اینجا ممکن نیست و تو تجربه را باید بگذاری برای کار بعدی‌ات؛ اما در تئاتر اجرای بعدی دوباره تغییرش می‌دهی و اثرش را می‌بینی و الی آخر... . خوشحالم روح کار با طیف گسترده‌ای از مردم و سلایق سیاسی ارتباط برقرار کرده است. خوشحالم بخشی از اثری بودم که چنین اجماع کم‌نظیری درباره آن اتفاق افتاده است. دوستی به شوخی می‌گفت «موقعیت مهدی» از عبای هاشمی متنوع‌تر عمل کرده است و توانسته نظر واحد کلی سلیقه را ذیل خود جمع کند. حالا فارغ از شوخی مگر می‌شود به باکری پرداخت و با آنچه بود و آنچه کرد ارتباط نگرفت؟ هر جان آزاده‌ای در برابر آنچه به معنای واقعی فداکاری و ایمان باشد، تسلیم خواهد بود».

فیلمی کمدی در ترکیب اکران

فیلم سینمایی «سگ‌بند» به کارگردانی مهران احمدی و تهیه‌کنندگی محمدحسین قاسمی و نویسندگی حمید اکبری‌خامنه یکی دیگر از فیلم‌های اکران نوروزی سینماها است. این فیلم دومین فیلم سینمایی احمدی پس از کمدی «مصادره» است که امیر جعفری، بهرام افشاری، زنده‌یاد سیروس گرجستانی، نازنین بیاتی، بهاره کیان‌افشار، علی تقی‌پور، ناهید مسلمی، سعید امیرسلیمانی، میرطاهر مظلومی، زنده‌یاد عزت‌الله مهرآوران، سیامک صفری، امین فصیح و مهران احمدی در آن ایفای نقش می‌کنند. چندان دور از ذهن نبود که در اکران‌های تازه سینماها باز هم باید شاهد گیشه پررونق فیلم‌های کمدی بود و «سگ‌بند» هم تا به امروز بیشترین تعداد مخاطب را به خود اختصاص داده است.

«شادروان» در ترکیب نوروزی

«شادروان» یکی دیگر از فیلم‌های حاضر در چهلمین جشنواره فیلم فجر است که در ترکیب هفت فیلم اکران نوروزی قرار گرفت. این فیلم به نویسندگی و کارگردانی حسین نمازی و تهیه‌کنندگی عباس نادران، در زمان نمایش خود در جشنواره فیلم فجر بازخوردهای متفاوتی از سمت مخاطبانش گرفت. برخی از منتقدان، ایجاد لحظات مفرح با دست‌گذاشتن بر دردهای طبقه فرودست جامعه را نقطه قوت فیلم توصیف کردند و برخی دیگر انتظار شوخی‌کردن با این موضوع را نداشتند. «شادروان» را نمی‌توان فیلمی کمدی محسوب کرد؛ هرچند اساسا تلاشی هم در این زمینه انجام نشده است. سینا مهراد، گلاره عباسی، نازنین بیاتی، بهرنگ علوی، در کنار هنرمندی رؤیا تیموریان و با حضور رضا رویگری و بهرام ابراهیمی در این فیلم ایفای نقش می‌کنند.

«مرد بازنده» به روایت مهدویان

«مرد بازنده» تازه‌ترین ساخته محمدحسین مهدویان نیز از جمله فیلم‌های حاضر در جشنواره چهلم فیلم فجر بود که تنها در دو رشته جلوه‌های ویژه بصری و موسیقی متن نامزد دریافت جایزه شد، اما هیچ سهمی از سیمرغ‌های جشنواره نداشت. این فیلم به فاصله کوتاهی از نمایش در جشنواره فیلم فجر به اکران نوروزی رسید. جواد عزتی ایفاگر نقش اصلی فیلم است و رعنا آزادی‌ور، آناهیتا درگاهی، بابک کریمی، امیر دژاکام، مهدی زمین‌پرداز، مجید نوروزی، امیرحسین هاشمی و شبنم قربانی از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند. محمدحسین مهدویان این بار روایت یک داستان پلیسی-معمایی را برای فیلمش انتخاب کرده است. منتقدان برداشت‌های مختلفی از فیلم اخیر مهدویان داشتند. برخی فیلم‌نامه او را مبهم توصیف کردند که اساسا جزئیات داستان برای مخاطب روشن نمی‌شود و حتی تلاشش برای ترسیم شمایلی جدید از جواد عزتی ناکام است و برخی دیگر «مرد بازنده» را اثری پخته و کامل از او می‌دانند که قواعد ژانر را رعایت کرده است.

نمایش فیلمی موزیکال

«گل به خودی» به کارگردانی احمد تجربی و تهیه‌کنندگی علی قائم‌مقامی نیز دیگر فیلم جدید اکران نوروزی است که فیلم‌نامه آن نوشته مشترک احمد تجری و لاله قهرمانی است و فضایی عروسکی-موزیکال دارد. داستان «گل به خودی» قصه آمال و آرزوهای تعدادی کودک است که در پرورشگاه زندگی می‌کنند و به کمک چند عروسک وارد ماجراهایی فانتزی می‌شوند. ابوالفضل رجبی، رایان سرلک، ال‌آی بشارت، آزینا تجری و محمدرضا علی‌نیا به‌عنوان بازیگران کودک حضور دارند. شقایق فراهانی، نسیم ادبی، علی استادی، ستاره حسینی، مهسا ایرانیان، پانته‌آ خادمی و غزاله اکرمی از دیگر بازیگران این اثر سینمایی هستند.

«قدغن» با موضوعی اجتماعی

«قدغن» به کارگردانی مجید مافی با یک داستان اجتماعی و با بازی سام درخشانی، ساناز سعیدی، افسانه چهره‌آزاد، محمود جعفری، علیرضا استادی، ونوس کانلی، کریم امینی و رزا بیات ساخته شده است و دیگر فیلم اکران نوروزی سینماهاست.

سهم سینمای هنر و تجربه

مستند «سمفونی حمید» به کارگردانی جعفر صادقی نیز از ۱۶ اسفند در سینماهای «هنر و تجربه» اکران خود را آغاز کرد. «سمفونی حمید» که دومین مستند بلند جعفر صادقی پس از مستند «فرشاد آقای گل» (مستند زندگی فرشاد پیوس) و محصول سال ۱۴۰۰ است، روایتی از زندگی حمید علیدوستی، ستاره دهه‌های قبل فوتبال ایران است. ترانه علیدوستی، پیمان معادی، عادل فردوسی‌پور، علی پروین، پژمان جمشیدی، امیر حاج‌رضایی، بهتاش فریبا، ناصر محمدخانی، ناصر ابراهیمی، بهمن فروتن، مهدی دادرس، مرتضی فنونی‌زاده، نعیم صفری، پژمان راهبر، هادی نراقی، محمد توانایی، احمد سنجری و حمید علیدوستی از حاضران در این مستند هستند. اکران نوروزی سینماها در حالی آغاز شد که بلیت سینماها با قیمت جدید به فروش رسید و سینماهای مدرن، ممتاز و درجه یک و دو به ترتیب با بلیت‌های ۴۵، ۳۵ و ۲۵ هزار تومانی پذیرای مخاطبان خود هستند. به نظر می‌رسد افزایش قیمت بلیت سینماها، تا حد زیادی سینما را از اولویت مردم دور کرده است؛ اتفاقی که سهم درخور توجهی در فاصله‌گرفتن مخاطب از سینما دارد. بسیاری از کارشناسان معتقدند نیاز است با اکران فیلم‌های شایان توجه و قوی در سال جدید، مخاطب را به دیدن فیلم در سینما ترغیب کرد. تا چند هفته آینده سینماها به استقبال فیلم‌های اکران عید فطر خواهند رفت؛ فیلم‌هایی که ترکیب نهایی آنها هنوز مشخص نیست و باید منتظر ماند و دید در ادامه، میزان استقبال مخاطب از اکران‌های سینماها چطور خواهد بود.

خواندن با عینک وضعیت

نگاهی به تغییر و تحولات اسکار در سال‌های اخیر

اسکار مرده است

ارغوان اشتری: قبلا طرفداران سینما در سراسر جهان، با انتظارات فراوان، پیگیر مراسم اسکار می‌شدند. انتظار برای اینکه چه کسی برنده بهترین فیلم خواهد شد؛ فیلمی که از نظر فرهنگی و چه از نظر تاریخی معنایی داشت. اما دیگر آن دوران به سر آمده است. سیلی‌زدن ویل اسمیت به کریس راک تنها بخشی از ماجرای اسکار بود. حتی بدون حمله عجیب ویل اسمیت، نودوچهارمین مراسم اسکار شور و هیجانی نداشت. می‌شد مدام ساعت را چک کرد و منتظر ماند تا این نمایش تمام شود، نمایشی که برای جذب مخاطب از هیچ تمهیدی فروگذار نکرده بود. ابدا سرگرم‌کننده نبود و بهترین لحظاتش که تداعی‌کننده دوران اوج مراسم‌های اسکار می‌شد، به حضور فرانسیس فورد کاپولا، آل‌پاچینو و رابرت دنیرو برای ۵۰سالگی «پدرخوانده» و لیدی گاگا و لایزا مینلی محدود شد که برای اعلام برنده بهترین فیلم روی صحنه آمدند. اسکاری که به «کودا» رسید. یکی از دلایل بی‌هیجان‌شدن مراسم اسکار را شاید باید در تولیدات سال‌های اخیر هالیوود جست؛ برندگانی که به لحاظ فرهنگی چندان ارتباطی با عامه مردم برقرار نمی‌کنند. می‌توان زمانی را به خاطر آورد که برندگان اسکار بهترین فیلم «گلادیاتور»، «تایتانیک»، «سکوت بره‌ها»، «فارست گامپ» و «ارباب حلقه‌ها» را درواقع میلیون‌ها آمریکایی دیده بودند اما حالا «کودا» و «سرزمین خانه‌بدوشان» اسکار بهترین فیلم را می‌برند.

استانداردهای جدید پاشنه آشیل اسکار

دلیل دیگر را می‌توان در تغییر قوانین اسکار در هم‌سویی با جامعه آمریکا و موج‌های سیاسی-اجتماعی دانست که سبب تغییر سیاست‌های اسکار شد. توجه به تنوع نژادی و جنسیتی از سیاست آکادمی علوم و هنرهای سینمایی، بانی جوایز اسکار در چند سال اخیر بوده است که به دنبال اعتراض‌ها به نبود نامزدهای سیاهپوست و رنگین‌پوست در سال ۲۰۱۶ اتخاذ شد، در آن سال در شاخه بازیگری هیچ بازیگر آفریقایی_آمریکایی و رنگین‌پوستی نامزد نشده بود و دو سال پیاپی اسکار به آفریقایی_آمریکایی‌ها بی‌توجهی نشان داده بود، پس موجی در فضای مجازی به نام اسکار زیادی سفید راه افتاد که چهره‌های مختلفی از سینما به آن پیوستند و درنهایت رئیس وقت آکادمی، شریل بون آیزاکس قول تغییرات در قوانین اسکار را داد. بر اساس تحقیقی که روزنامه لس‌آنجلس‌تایمز در سال ۲۰۱۲ منتشر کرد، نزدیک به ۹۴ درصد از رأی‌دهندگان آکادمی اسکار سفیدپوست و مذکر بودند. آکادمی علوم و هنرهای سینمایی در راستای ایجاد تنوع نژادی و بالابردن سهم زنان در میان اعضای آکادمی، ماه ژوئن ۲۰۱۶، ۶۸۳ نفر را برای عضویت دعوت کرد که ۴۶ درصد آنها زن و ۴۱ درصدشان افراد رنگین‌پوست بودند. شریل بون آیزاکس متعهد شد تا سال ۲۰۲۰ تعداد اعضای زن و اعضای با نژادهای مختلف را دوبرابر کند. سال ۲۰۲۰ که دیوید روبین ریاست آکادمی علوم و هنر سینمایی را بر عهده داشت، آکادمی استانداردهای جدیدی را برای انتخاب نامزدهای اسکار بهترین فیلم معرفی کرد. قرار شد برای نودوچهارمین و نودوپنجمین دوره جوایز اسکار که در ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ برگزار می‌شود، یک فیلم برای اینکه در شاخه اسکار بهترین فیلم واجد شرایط شناخته شود، باید فرم محرمانه استانداردهای آکادمی را ارائه بدهد. از سال ۲۰۲۴ برای جوایز اسکار ۹۶، فیلم ارائه‌شده برای بخش اسکار بهترین فیلم باید حداقل دو مورد از چهار استاندارد اعلام‌شده را داشته باشد.

استاندارد الف شامل سرفصلی با عنوان ارائه روی پرده، مضامین و روایت‌ها بود که خود چند زیرمجموعه داشت. یکی از آنها حضور الزامی یک بازیگر (دست‌کم یکی از نقش‌های اصلی یا بازیگران مکمل) از نژاد یا قومیتی است که تاکنون کمتر روی پرده تصویر شده؛ شامل آسیایی، لاتین، سیاه‌پوست، بومی آمریکا، آلاسکا، خاورمیانه و... .

مورد عجیب دیگر این سرفصل، گروه بازیگران یک فیلم است. حداقل ۳۰ درصد تمام بازیگران نقش‌های دوم و فرعی باید حداقل دو گروه از این گروه‌ها باشند: زنان، گروه‌های نژادی یا قومی، الجی‌بی‌تی و افراد با ناتوانی‌های فیزیکی یا شناختی، یا ناشنوا یا کم‌شنوا. خط داستانی اصلی و موضوع است که بار دیگر مواردی چون زنان، گروه‌های نژادی یا قومی، الجی‌بی‌تی و آدم‌هایی با ناتوانی‌های فیزیکی یا شناختی، یا ناشنوا یا کم‌شنوا را در برمی‌گیرد.

دسته سوم از این استانداردها به فرصت‌های آموزشی و کارآموزی با حقوق برای دیگر عوامل است که نقش‌های کلیدی در فیلم بر عهده ندارند و دسته چهارم استانداردها نیز به تیم‌های بازاریابی، تبلیغات و توزیع آثار سینمایی مرتبط است. با این تفاصیل «کودا» (فارغ از بحث کیفی‌اش) برنده اسکار بهترین فیلم نودوچهارمین دوره اسکار کاملا منطبق با استانداردهای جدیدی است که سال ۲۰۲۰ تدوین شد. از میان چهار برنده اسکار بهترین بازیگری در رشته‌های مختلف یک بازیگر سفیدپوست (جسیکا چستین)، یک بازیگر دارای ناشنوایی (تروی کاتسور)، یک بازیگر از اقلیت جنسی کوئیر (آریانا دبوز) و یک بازیگر سیاهپوست (ویل اسمیت) بودند.

اسکار ۲۰۲۲، مراسمی سردرگم!

تنها چند سال پس از جنبش و موج اسکار زیادی سفید، مراسم اسکار تبدیل به یک شوی بی‌منطق و بی‌معنی شده است که باوجود ظرافت‌های نمایشی‌ای که دارد به مراسمی تبدیل می‌شود که دیگر اعتبار گذشته را ندارد. برخلاف نودوسومین دوره اسکار، برای امسال سه مجری انتخاب کردند؛ رجینا هال، ایمی شومر و واندا اسکایز که دوسوم این مجریان سیاهپوست انتخاب شدند. برای جلب تماشاگر از کاربران توییتر خواستند تا فیلم محبوب خود را از میان فیلم‌های ۲۰۲۱ انتخاب کنند و جایزه تماشاگران را اعلام کردند؛ جایزه‌ای که به‌طور کامل به آرای عمومی در شبکه‌های اجتماعی و سایت رسمی آکادمی اسکار بستگی داشت. برای سرعت‌بخشیدن به مراسم هشت جایزه پیش از شروع مراسم اهدا شد؛ این هشت رشته عبارت بودند از تدوین، صدا، مستند کوتاه، موسیقی متن، چهره‌پردازی و مو، فیلم کوتاه انیمیشن، فیلم کوتاه لایو اکشن و طراحی صحنه. اما همین تغییر صدای انجمن‌های مرتبط با این رشته‌ها را درآورد و حتی گروهی از فیلم‌سازان و پیش‌کسوتان این رشته‌ها نامه‌ای به آکادمی نوشتند و خواستار بازگرداندن جوایزشان به مراسم اصلی شدند که این اتفاق نیفتاد و در آغاز شروع مراسم اسکار صفحه توییتر آکادمی تمام این جوایز را اعلام کرد و هیجان این جوایز را از بین برد.

با شروع مراسم و حضور چهره‌هایی مانند دی جی خالد برای اجرای ترانه روی سن اسکار خیلی ابهامات مشخص شد که اسکار امسال به دنبال چه چیزهایی است؛ جذب دو جمعیت جوان‌تر متفاوت - یکی با سلیقه‌های سینمایی عامه مردم، دیگری هیپ‌هاپ‌های سیاسی. روش‌ها نیز واضح بود؛ برندگان بیشتر سیاه‌پوست، رنگین‌پوست، زن و خارجی‌ها... باشند. این موارد اهداف بدی به خودی‌خود نیستند اما همه اینها حول یک ایده بزرگ ادغام شد؛ یک اسکار گنگ و شلم‌شوربا. در پایان مراسم تماشاگر از خودش می‌پرسید که چی؟ از این احمقانه‌تر هم ممکن بود؟ پس جای تعجب نیست که اسکار در دهه گذشته رتبه‌های ضعیفی داشته است. بله پخش تلویزیونی مراسم اسکار ۲۰۲۲ در مقایسه با مراسم سال گذشته که بدون مجری بود و در اوج همه‌گیری برگزار شد، افزایش بیننده داشت اما همچنان توانست دومین مراسم اسکار با کمترین بیننده در تاریخ آکادمی علوم و هنر سینمایی لقب بگیرد.